

گوز گاو سر: آمیزه ای از قدرت و اعتبار

نگارش: دکتر منوچهر مشتاق خراسانی

گوز گاو سر یکی از معتبرترین جنگ افزارهای است که در سنت های ادبی و مذهبی ایرانی وجود دارد. گاو همواره یکی از مهمترین مولفه های اساطیر ایرانی بوده و از این رهگذر آن را در بسیاری از ابزارها و اشیای هنری مشاهده می کنیم. با دانستن اهمیت نمادین گاو جای تعجب ندارد که به عنوان یک نمونه بارز در جنگ افزارهای ایرانی هم حضور دارد.

گوز گاوسر و آیین میترا

سر گاوشکل گوز در واقع نماد قربانی کردن گاو از سوی میتراست که این کار را برای حاصلخیزی خاک و تغذیه جمعیت انجام می دهد [۱]. پرستش خورشید و ایزد ایرانی میترا از زمان های بسیار دور سازندگان سلاح ها و زره پوش ها را در انتخاب نشان های تزئینی تحت تاثیر قرار داده بود و این تاثیر پذیری حتی در دوران اسلامی هم ادامه یافت. برای نمونه، بسیاری از سپرها و کلاهخود های دوران قاجار مزین به خورشید و سمبل های چهره میترا هستند. بر اساس افسانه ها، میترا در قرن چهارده پیش از میلاد پا به زمین گذاشت و به مردم کشاورزی آموخت. او آنگاه برای حاصلخیزی زمین گاوی را کشت و خون آن را بر زمین پاشید و از گوشت آن نیز برای خوراک مردم استفاده کرد. بعد از انجام دادن این ماموریت او به بهشت بازگشت تا در آنجا به خورشید بیوندد. پور رهنما [۲] گوز گاوسر را یک نماد بسیار مهم در اسلحه سازی ایرانیان باستان توصیف می کند.

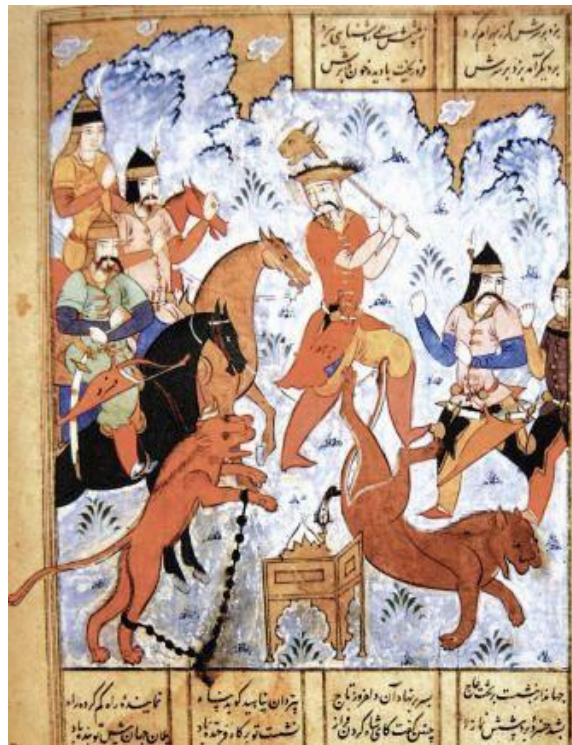


نگارگری شاهنامه مربوط به دوران صفویان (بهرام شیر را با گوزی گاو سر از پای در می آورد)، تصویر با کسب اجازه از کتابخانه مدرسه مطهری

گرز گاو سر در حماسه ها و اسطوره های ایرانی

در ادامه گرز گاو سر به یک سلاح نمادین و معتبر تبدیل شد که به شاهان ایران هم نسبت داده می شدند. در اسطوره های ایرانی آمده است که فریدون گاوی که به وی شیر می داد را دوست می داشت به همین دلیل گریزی با سر گاو درست کرد و از آن در نبرد با ضحاک استفاده کرد [۳]. خیلی از پهلوانان اسطوره ای از جمله رستم، گیو، اسفندیار و گشتاسپ نیز با گرزهایی گاو سر به جنگ دیوان و موجودات خبیث رفتند. در دوران ساسانیان، شاه بهرام پنجم (بهرام گور) در نبرد با شیران درنده گرز گاو سر را به کار برد تا بتواند تاج پادشاهی را از میان آن ها گرفته و از آن خود کند [۴].

هارپر می نویسد شاهان ایران و قهرمانان شاهنامه در جنگ ها گرزهای گاو سر را به کار می بستند. در کتاب حماسی شاهنامه فردوسی، فریدون یکی از شاهان اسطوره ای ایرانی به آهنگرانش دستور داد یک گرز با سر گاو برایش بسازند تا با آن به جنگ ضحاک برود. شاهنامه شرح می دهد که چگونه ضحاک (آژی دهاک) در کابوس سه رزمنده را دید که به وی حمله بردند. جوانترین آن ها گریزی به شکل سر گاو داشت که با آن بر سرش کوبیده و آن گاه به همراه دو جوان دیگر وی را به کوه دماوند بردند. وقتی ضحاک از خواب پرید، عرقریزان و وحشترده از طالع بینان خود خواست که خوابش را تعبیر کنند.



نگارگری دیگری از یک شاهنامه دوران صفوی (بهرام شیرها را با یک گرز گاو سر می کشد)، با کسب اجازه از موزه کاخ گلستان

آنها به او گفتند کودکی متولد می شود که نامش فریدون خواهد بود. او روزی به پادشاهی رسیده و تخت پادشاهی ضحاک را واژگون کرده و وی را به بند می کشد. سربازان ضحاک در میان کودکان تازه متولد شده به جستجو پرداختند تا فریدون را بیابند. مادر فریدون برای محافظت از او، وی را به نگهبان مزرعه ای سپرد تا از فرزندش مراقبت کند. در ادامه داستان گاوی به مدت سه سال به فریدون شیر می دهد. در این میان سربازان پدر

فریدون را دستگیر می کنند و مغزش را خوراک مارهای بر دوش ضحاک می کنند. سپس سربازان از محل نگهداری فریدون اطلاع می یابند. برای همین مادر فریدون خردسال را از مزرعه به کوه البرز برد که در آنجا به یک مرد پارسا بسپارد. موقعی که سربازان ضحاک به مزرعه مورد نظر رسیدند، گاو محبوب فریدون را کشتند و مزرعه را هم به آتش کشیدند.



نگارگری شاهنامه دوران قاجار (رستم در سمت چپ با گری گاو سر)، با کسب اجازه از موزه عباسی

فریدون در هجده سالگی تصمیم گرفت از ضحاک انتقام بگیرد. در همان زمان، آهنگری موسوم به کاوه آهنگر علیه ضحاک سر بر شورش بر آورد چرا که نمی خواست فرزندش به خاطر مارهای بر دوش ضحاک کشته شود. او پیش بند خود را بر سر چوبی نصب کرد و از آن بیرقی ساخت و به فریدون پیوست. آهنگران گرز گاو سری برای فریدون ساختند. سپاه فریدون در نبرد با ضحاک پیروز شد و خود ضحاک را به زنجیر کشیدند و در دماوند زندانی کردند. گفته می شود در هنگامه ظهور سوشیانت، ضحاک زنجیرهای خود را پاره می کند و دست به نابودی مردم و ستوران می زند. از این رو اهورامزدا گرشاسپ را برمی خیزاند تا ضحاک را با گرز گاو سر خویش از بین برد [۵].



گرزی مفرغین با نشان هایی از چهره انسان بر روی آن که در مارلیک به دست آمد

بسیاری از متون ایرانی هم به این نوع سلاح که به وسیله شاهان و پهلوانان به کار می رفت اشاره می کنند. برخی عبارات که در توصیف گرز گاو سر به کار می رود: الف) گرز گاو چهر [۶]، ب) گرز گاویکر [۷]، ج) گرز گاورنگ [۸]، د) گرز گاوری [۹]، گرز گاوسر [۱۰].

گرزهای گاوسر و زردشتیان

علاوه بر استفاده از گرز گاو سر به وسیله قهرمانان حماسه ها، این سلاح باستانی اهمیت مذهبی نیز داشت. هنوز هم در میان پارسیان هند استفاده از این نوع گرز در مراسم مذهبی رایج است. یک موبد جوان که می خواهد وظیفه مذهبی اش را پس از اتمام مراسم نبر ادا کند به آتشکده رفته و یک گرز گاو سر کوچک به دست راست می گیرد و بخش هایی از اوستا را خوانده و دعا می کند [۱۱]. بنابراین گرز گاوسر هنوز هم در میان زردشتیان و در تشریفات مربوط به آغاز به کار موبدان جوان استفاده می شود. در دوران قاجار نیز استفاده از عصای سلطنتی گاوسر رواج داشت و در آتشکده های زردشتی امروزه نیز سلاح باستانی گرز گاوسر از ابزارهای مقدس به شمار می روند. زردشتیان این گرز را "گرز جنگی فریدون" یا "گرز میترا" می خوانند که احتمالاً این عنوان به نقش میترا به عنوان پاسدار عدالت اشاره دارد. گرز (کوپال) میترا در اوستا به صورت "با یک گرز با صد گره و صد لبه، به جلو حمله می کند و شخص را به زمین می زند، یک گرز ساخته شده با برنج قرمز...؛ قوی ترین سلاح، پیروزترین سلاح؛ بر ضد انگرا مینیو، که سراسر مرگ است" توصیف شده است [۱۲].



گرز گاوسر از دوران قاجار

نمونه هایی از گرز های باستانی گاوسر

مدل های قدیمی تر این سلاح ها با سر انسان و حیوان در حفاری های لرستان و مارلیک از زیر خاک مقبره ها درآمدند [۱۳]. آنطور که پیر آمیه باستان شناس سبک یکی از گرزهای گاوسر را جالب یافت و گزارش کرد، این گرز از محور لوله ای با سه سر گاو در دایره پیرامون این محور تشکیل شده و شاخ ها در بین این سر ها تقسیم شده اند. ویژگی های چهره گاو ها نیز به خوبی در آن ها مشخصند. برخی از گرزهای کشف شده در مارلیک سرهایی به شکل سر بز یا قوچ دارند. چماق گرزمانندی نیز در مارلیک از خاک در آمده است که بر آن دو سر بز کوهی روبروی هم دیده می شود و چشم ها، بینی ها و شاخ های این دو بز دربردارنده جزئیات بسیار است [۱۴]. طول سر گرز ۱۷,۵ سانتی متر، قطر آن در پهن ترین جا ۳,۵ سانتی متر و با وزن ۶۲۴ گرم است. قطر داخلی سر گرز ۱,۸ سانتی متر است. این قطعه شی باستانی در مارلیک، آرامگاه شماره ۲۶ پیدا شد.



گرز مفرغی از مارلیک که سر دو بز در مقابل هم بر آن است

نمونه هایی از گرزهای با چهره انسان نیز در دست است. یک گرز مفرغی بسیار جالب وجود دارد که بر آن نه چهره انسانی دیده می شود. طول سر این گرز مفرغی ۱۴,۳ سانتی متر، وزن آن ۶۴۹ گرم و در پهنایش در پهن ترین نقطه ۶ سانتی متر است. شکل کلی آن لوله ای و توخالی است. تورج نگهبان [۱۵] اضافه می کند قطر داخلی گرز ۲,۷ سانتی متر است. سطح سر گرز از سه ردیف سر انسان تشکیل شده است که در هر کدام از این ردیف ها سه سر انسان به چشم می خورند. شگفت انگیز اینکه در ردیف آخر، سرها وارونه (رو به عقب) اند. در هر سرویژگی های چهره، گوش ها، یک بینی بلند، دهان، ابروها و پیشانی را به خوبی می توان تشخیص داد. علاوه بر این، چشم ها را با استخوان و یک گودی که با ماده سیاه رنگی نشان دهنده عنیه درست کرده اند. نگهبان توضیح می دهد که متاسفانه در بیشتر چهره ها، چشم ها مفقود شده اند. این قطعه شی در مارلیک آرامگاه ۴۵ پیدا شد.



گرز دیوسر دوران قاجار

تنها تعداد انگشت شماری گرز گاوسر به جای مانده اند. گاو نقش مهمی در باورهای روحانی ایرانیان بازی می کند و همواره از دید آن ها با نیروی خیر در ارتباط بوده است [۱۶]. قدیمی ترین گرزهای ایرانی در موزه هنر متروپولیتن نگهداری می شود. این گرزهای مفرغی به ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد برمی گردند یعنی زمانی که ایرانیان وارد کشور شده و در مغرب رود دجله ساکن شدند. به نوشته هارپر در "گرز در ایران پیش از اسلام" یکی از جالب ترین این گرزها به شکل یک استوانه سوراخ شده با شکاف های عمودی و پیش رفتگی است. جالب اینکه گرز به سبک ویژه ای به سه سر گاو ختم می شود: سر هر گاو دارای یک پیشانی پهن و یک پوزه استوانه ای کوچک و یک جفت چشم و گوش است اما شاخ آن با گاو بعدی مشترک است. بنابراین این گاوها سه سر، شش چشم و سه شاخ دارند: این نوع سلاح استوانه ای که از یک سمت بسته ولی از سمت دیگر با برجستگی هایی (غیر از سر گاو) تزئین شده باشند از دوران هخامنشیان شناخته شده اند. در گردن یک نمونه در موزه واگنر شهر ووتسبورگ آلمان نوشته ای به زبان پارسی باستان وجود دارد. در همین موزه نمونه دیگری وجود دارد که در آن شاخ و گوش هر گاو با گاو مجاور مشترک است. هارپر [۱۷] تذکر می دهد که یک نمونه هم با سه سر قوچ وجود دارد. دسته برخی از این گرزهای گاوسر جدا از سر آن ریخته گری می شود. گاهی اوقات حلقه ای از مفرغ یا چدن با عناصر تزئینی گرد دسته و دور از سر گرز دیده می شود.

جمع بندی

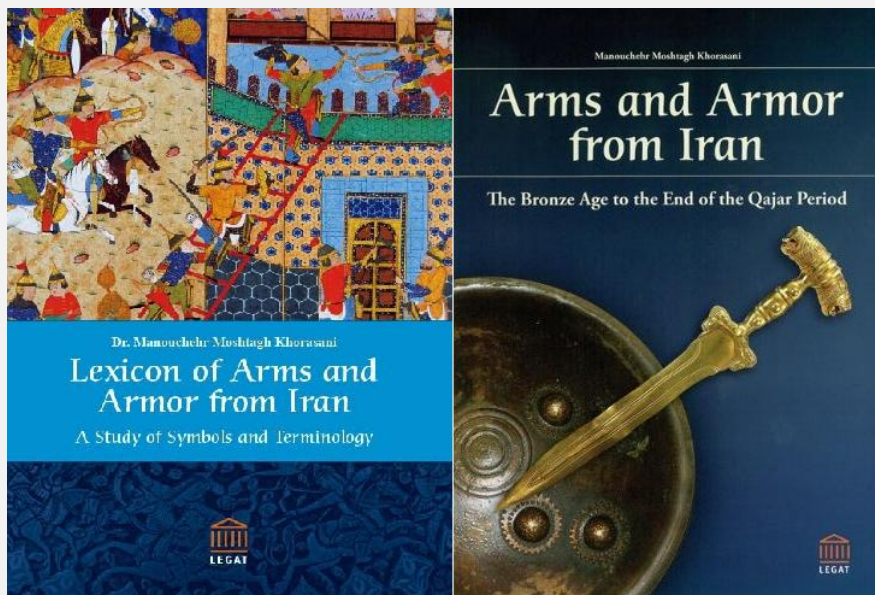
گرز گاوسر همواره در سراسر تاریخ ایران از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. این سلاح که در آغاز نماد قربانی کردن گاو بوسیله میترا بود در ادامه در ادبیات پارسی به صورت نماد قدرت قهرمانان و شاهان به کار رفت. علاوه بر این، سرگاو هنوز هم در مناسک زردشتی کاربرد دارد. هر چند بیشترین نمونه گرزهای گاوسر از دوران قاجار به ما رسیده است اما گرزهای مفرغی بسیار قدیمی تری نیز وجود دارند که نشان دهنده ریشه تاریخی و معنای ویژه این سلاح در تاریخ ایران است.

در مورد دکتر منوچهر مشتاق خراسانی:



دکتر محمد مشتاق خراسانی موسس *Khorasani Consulting* و در برگزاری دوره های آموزشی و سمینار های مربی گری، مدیریت، سخنرانی عمومی و بین فرهنگی تخصص دارد. او در سراسر اروپا به زبان های انگلیسی، آلمانی و اسپانیایی در بلژیک، آلمان، ایرلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، اسپانیا، سوئیس و انگلیس تدریس کرده است.

دکتر منوچهر مشتاق خراسانی مولف کتاب *Arms and Armor from Iran: The Bronze Age to the End of the Qajar Period* چاپ شده در ۲۰۰۶ است که به تحلیل موشکافانه جنگ افزارها و جوشن های ایرانی از دوران پیش از تاریخ تا آخر دوران قاجار می پردازد. این کتاب بر اساس ۸۰۰ منبع مکتوب دست اولیه و ثانویه بوده و برای نخستین بار در بردارنده بیش از ۵۲۰ اثر از موزه های ایران است. همچنین برخی آثار متعلق به مجموعه های خصوصی نیز در آن آمده اند. این کتاب که وی بیش از ده سال برای نگارش آن صرف کرد به عنوان برگزیده جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۰۹ در زمینه ایرانشناسی شناخته شد. سلاح ها، ابزارهای جنگی، فولادها، جنگ افزارها، جوانمردی و عیاری از دوره ساسانی تا بعد از اسلام، از مباحث کتاب است. از این کتاب در دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی معتبر سراسر دنیا به عنوان یک منبع مهم در در این زمینه ها استفاده می شود.



کتاب دیگر دکتر خراسانی، "Lexicon of Arms and Armor from Iran: A Study of Symbols and Terminology" نام دارد که برای آن از صدها منبع دست‌نویس و گوهرنامه، جواهرنامه و شاهنامه استفاده کرده است. این کتاب با خطوط پهلوی، اوستایی و میخی نگاشته شده و لغت‌های قدیمی و فراموش شده فارسی نیز در آن ترجمه شده است. هدف او از نگارش این کتاب این است که خواننده بتواند پس از مطالعه این کتاب، کتاب‌هایی مانند شاهنامه را به راحتی مطالعه کند.

دکتر خراسانی همچنین بیش از هفتاد و یک مقاله به زبان‌های انگلیسی، اسپانیایی و آلمانی نگاشته است. او متخصص جنگ افزار در منطقه خاورمیانه است. و یکی از دغدغه‌هایش احیای هنرهای رزمی ایران باستان و مرام‌های جوانمردی و عیاری ایرانی است و اعتقاد دارد که سطح آگاهی جوانهای ما به حدی برسد که به جای تقلید الگوهای رزمی چینی، ژاپنی و کره‌ای، الگوهای مثل رستم و گیو و توس داشته باشند.

دکتر منوچهر مشتاق خراسانی مدرس هنرهای رزمی چون کنگ فو توآ، یاییجوتسو و کنجوتسو هستند. او همچنین دارنده کمر بند سیاه دان دو فول کنتاکت کاراته و کمر بند سیاه دان دو نام واه پای می باشد.

کتابشناسی

- Al-Kateb al-Rajani, Faramarz bin Abdullah bin Khodadad, *Samak Ayyar*, Annotated by Seyyed Ali Shahari, 2 vols, Tehran, Seda-ye Moasser, 2004/1383.

سمک عیار

- Amiet, Pierre, *Luristan Antiquities Collection David-Weill*, Paris, De Boccard, 1976. Balkhi, Ibn, *Fârsnâme*, Edited by G, The Strange and RA Nicholson, Tehran, Enteshârât e-Asat, 2006/1385.

فارسنامه

- Ferdowsi Hakim Abolqâsem, *Shâhnâme* Ferdowsi (bar ASAS-E Noskheye Mashhur-e Be Shappe Mosko) [Shâhnâme Ferdowsi (based on the Manuscript Known As Published in Moscow)], Tehran, Enteshârât-e Alam, 1995/1384.

شاهنامه فردوسی (بر اساس نسخه مسکو)

- Harper, Prudence Oliver, The Ox-headed Mace in Pre-Islamic Iran, *Acta Iranica*, 24, 2nd series, vol, X, Papers in Honour of Mary Boyce, 247-259, 1985.
- Kufi, Abu Hafaz, *Joneydnâme*, In, *Abu Moslemnâme*, Annotated by Hossein Esmail, pp, 199-519, Tehran, Enteshârât Moi'n-e-e Nashr Qatreh, Anjoman Irânshenâsi dar-e Iran, 2001/1380.

ابومسلم نامه

- Moshtagh Khorasani, Manouchehr, *Arms and Armor from Iran, The Bronze Age to the End of the Qajar eriod*, Tübingen, Legat Verlag, 2006.

- Naderi, Amir al-Shoar, *Zafarnâmeh*, Introduction by Mahmud Farrox, Tehran, Enteshârât-e Melli-ye Malek Ketâbkhâneh, 1968/1346.

ظفرنامه

- Negahban, Ezat O, *Weapons from Marlik*, Berlin, Dietrich Reimer Verlag, 1995.
- Pur Davood, Ebrahim, *Zin Abzâr* [Armament], Tehran, Tchâpkhâneh-ye-e Artesh Shahanshah, 969/1347.

زین ابزار

- Pur Rahnama, Kaveh, Persian's View of Polish-Persian Cultural Relations and Militaria, In, Antoni Romuald Chodynski (ed), *Persian and Indo-Persian Arms and Armor of 16th - 19th Century from Polish Collections*, Malbork, Muzeum Zamkowa w Malborku, pp, 80-84, 2000.
- Qatrani-e Tabrizi, Abu-Mansur, *Divan-e-e Tabrizi Qatrani* [The Poems of Qatrani-e Tabrizi] Based on the Manuscript of Nakhjavani Mohammad, Tehran, e-Enteshârât Qoqnus, 1983/1362.

دیوان قطران تبریزی

- Saba, Fathali Kashan Khan, *Shâhanshâhnâme*, Handwritten Manuscript, Mashhad, Astan-e Qods-e Razavi.

شاهنشاهنامه

- Sa'd Salman, Mas'ud (1995/1374), *Divan-e Mas'ud Sa'd Salman* (The Anthology of Mas'ud Sa'd Salman), Annotated by Rashid Yasemi, Tehran, Mo'asseseh-ye Enteshârât e-Negâh.

دیوان مسعود سعد سلمان

- Stcklein, Hans, Arms and Armour, In, Arthur Upham Pope and Phyllis Ackerman (eds), *A Survey of Persian Art from Prehistoric Times to the Present*, Volume VIB Metalwork and Minor Arts, Fourth Edition of the Original Publication in 1964, Ashiya, SOPA, pp, 2555-2585, 1981.
- Tarsus, Abu Taher Mohammad Hasan ibn Ali ibn Musa in, *Dârâbnâme*-ye *Tarsus*, Annotated and Corrected by Zabihollah Safa, Tehran, Bongâh Tarjomeh-e-e Ketab will Nashr, 1977/2536.

دارابنامه طرسوسی

یادداشت ها

[1] See Pur Rahnama, 2000:82.

[2] 2000:82

[3] Stcklein, 1981:2579.

[4] Harper, 1985:247.

[5] Pur Davood, 1969/1347: 51-53.

[6] Ferdowsi, 1995/1384: 432.

[7] Ferdowsi, 1995/1384: 779.

[8] Ferdowsi, 1995/1384: 209; Shâhanshâhnâme, Fathali Saba Khan, 111.

[9] Ferdowsi, 1995/1384: 1010; Dârâbnâme-ye Tarsus, Tarsus, 1977/2536, 507, vol. 1; Fârsnâme, Balxi, 2006/1385: 12, and Divan-e Mas'ud Sa'd Salman, Sa'd Salman, 1995/1374: 93; Shâhanshâhnâme, Fathali Saba Khan, 352.

[10] Ferdowsi, 1995/1384: 452; Joneydnâme, Kufi, 1991/1380: 250; Samak Ayyar, Al-Kateb al-Rajani, 004/1383: 229, 425; Qatrani Divan-e-e Tabrizi, e-Qatrani Tabrizi, 1983/1362: 444; and Zafarnâme, Nader, 1968/1346: 332.

[11] Pur Davood, 1969/1347: 54.

[12] See Harper, 1985:247.

[13] 1976:35, plate 33.

[14] See Negahban, 1995:28.

[15] 1995:26.

[16] Harper, 1985:249.

[17] 1985:249.